

آنچه که امروز در درجه‌ی اول کارهای سیاسی کشور قرار دارد، مسئله‌ی انتخابات است. انتخابات یک حادثه‌ی یکروزه است، ظرف یک روز انجام می‌گیرد؛ اما از آن حوادثی است که تأثیر آن، تأثیر بلندمدت است. انتخابات ریاست جمهوری را شما در ظرف یک روز انجام می‌دهید، اما اولاً کسی را یا کسانی را برای مدت چهار سال بر سر نوشت کشور و جریانهای عمده‌ی کشور حاکم می‌کنید؛ ثانیاً دامنه‌ی تأثیر آن به همان چهار سال هم محدود نمی‌ماند. گاهی اوقات دولتها کارهایی می‌کنند که تأثیرات آن تا سالها باقی می‌ماند؛ چه کارهای خوب، چه خدای نکرده کارهای غیر خوب؛ تأثیر آن منحصر نمی‌ماند به آن چهار سال؛ مثل یک جریانی ادامه پیدا می‌کند. انتخابات امسال اهمیت مضاعف دارد. امروز انتخابات به یک موضوع مهم بین‌المللی تبدیل شده است. دستگامهای فکری دشمنان - به قول خودشان، اتاقهای فکر - نشسته‌اند رصد می‌کنند مقدمات این انتخابات را دارند نگاه می‌کنند؛ نقشه هم دارند، هدف هم دارند. هدف جبهه‌ی دشمنان شما، نقطه‌ی مقابل هدف شما است. پس دو تا هدف در مقابل هم قرار دارد: هدف ملت ایران، هدف جبهه‌ی دشمنان. هدف ملت ایران چگونه تأمین خواهد شد؟ با دو عامل، این هدف تأمین می‌شود: یک عامل این است که انتخابات، انتخابات گرم و پرشوری باشد؛ افراد زیاد شرکت کنند، مردم با شور و شوق شرکت کنند، بیابند پای صندوقها. دوم اینکه این انتخابات منتهی شود به انتخاب یک انسان شایسته‌ی وارسته‌ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی. با این دو چیز، مقصود ملت ایران حاصل می‌شود. مقصود دشمن چگونه حاصل می‌شود؟ مقصود دشمن با این حاصل می‌شود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود؛ مردم بی‌رغبت باشند، عده‌ی کمی شرکت کنند، یک عده‌ای بگویند: آقا چرا شرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمی‌خواهیم بیاییم. اینها دشمن را خوشحال میکند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوقها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرار گرفتن در سیاستهای دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را می‌خواهد. امروز همه‌ی خبرهای دنیا را در واقع یک شبکه‌ی بزرگ صهیونیستی جهت می‌دهد، به قول خودشان کانالیزه می‌کند؛ خبرهای باب میل خودشان را منتشر می‌کنند. سعیشان این است که وضع کشور را بحرانی نشان دهند. خب، مشکلات در کشور هست؛ در کدام کشور نیست؟ گرانی هست، مشکل بیکاری هست؛ کجای دنیا امروز نیست؟ امروز خود آن کشورهای اروپایی که صحنه‌گردان تبلیغات علیه جمهوری اسلامی‌اند، تا خرخره در مشکلات فرو رفته‌اند. هر چند روز یک بار، در یکی از این کشورها یا در چند کشور، مردم می‌آیند در عرصه، از روی ناچاری و ناگزیری داد می‌کشند و مورد تهاجم نیروهای امنیتی‌شان قرار می‌گیرند. البته اینها را تا بتوانند، پنهان می‌کنند. ما هم مشکلاتی داریم. ما مشکلات را باید مقایسه کنیم با نقاط مثبتی که الان در ما هست. کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد دارد؟ اقوام کشور، مذاهب کشور، شهرهای کشور، مناطق گوناگون کشور، همه در یک جهت، در یک هدف، با یک عواطف، با یک احساسات، با یک امید دارند حرکت می‌کنند، زندگی می‌کنند. کدام کشور این همه جوان سرحال و بانشاط دارد؟ جوانهای ما امروز میدانهای عظیم علمی را دارند فتح می‌کنند؛ در مسابقات گوناگون جهانی، رتبه‌های بالای جدول را دارند به دست می‌آورند؛ این چیز کمی است؟ کدام ملت مثل ملت ما با وجود این همه دشمنی‌ها توانسته است این عظمت را، این اهمیت را، این تأثیرگذاری را در قضایای دنیا و در قضایای منطقه به دست آورد؟ یک عده دشمنان مایند، یک عده مزدوران دشمنان مایند؛ هر چه بتوانند، کارشکنی می‌کنند؛ اما ملت ایران، سربلند، سرافراز، وسط صحنه، با چهره‌ی بشاش، با چهره‌ی امیدوار، بدون کینه‌ی به این و آن، دارد راه خودش را می‌رود. این را شما بدانید؛ ملتها - البته آگاهانشان، فرزانشان، کسانی از آنها که با قضایای گوناگون آشنايند - شماها را با انگشت نشان می‌دهند؛ می‌گویند ببینید ملت ایران در چه عرصه‌هایی پیشرفت کرده و ما مانده‌ایم. حرکت ملت ایران اینجوری است. آنچه که در این فاصله و در این فرصت مهم است، این است که مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخاب خوب

هم داشته باشند. برای انتخابِ خوب باید فکر کرد، باید معیارها را شناخت. معیار اصلی این است که کسانی سر کار بیایند که همیشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدفهای انقلاب باشد. آنچه ما در این سالهای طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدفهای انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدفهای انقلاب اسلامی و هدفهای اسلامی بوده است. باید کسانی سر کار بیایند که مصداق "انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا" باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان پیوشند و وارد میدان شوند. شعارها را نگاه کنید، ببیند شعارهایی که تعیین می کنند، چه جور شعارهایی است؟ گاهی بعضی‌ها - البته اشتباه می کنند - برای جلب آراء، شعارهایی می دهند که این شعارها از حدود قدرت و اختیاراتشان بیرون است. همه هم باید تابع قانون باشند. آنجائی اشکال پیش می آید که تخلف از قانون انجام می گیرد. سال ۸۸ اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را درست بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود. راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند. قانون، معیار بسیار خوبی است؛ وسیله‌ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه‌ی راه عمومی. شورای محترم نگهبان، خب مردمانی پرهیزگار، متقی و آگاهند؛ طبق قانون تشخیص می دهند و عده‌ای به عنوان افرادی که صالحند، معرفی می شوند؛ من و شما باید نگاه کنیم ببینیم در بین این صالحها کدام صالح‌ترند، خودمان را به حجت شرعی برسانیم. اگر انسان بر طبق حجت شرعی کار کرد، چنانچه بعداً غلط هم از آب دربیاید، باز سرفراز است، میگوید من تکلیفم را عمل کردم. امیدواریم ان‌شاءالله تفضلات الهی شامل حال باشد؛ دعای حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) شامل حال همه‌ی شما ملت عزیز باشد؛ و بخصوص در این آزمون مهمی که در پیش دارید، ان‌شاءالله دعای آن بزرگوار، هدایت الهی را برای دل‌های همه‌ی ما فراهم کند و آنچه که خیر و صلاح این کشور است، به دست شما مردم ان‌شاءالله رقم بخورد. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.